
گئورگ ویلهلم فریدریش هگل

تألیف: علی اصغر مصلح



فهرست مطالب

۱۷	پیش‌گفتار.....
۲۱	مقدمه.....
۲۱	هگل مرجعی برای اندیشیدن.....
۲۳	مقام هگل در تاریخ تفکر مدرن.....
۲۴	شیوه معرفی هگل.....
۲۵	چند آموزه کلیدی در فلسفه هگل.....
۲۶	هگل در ایران.....

روزگار، زندگی و آثار / ۳۳

۳۵	روزگار هگل.....
۳۵	نسبت هگل با زمانه‌اش.....
۳۶	زمانه‌ای در حال تحول.....
۴۰	در انتظار آینده‌ای متفاوت.....
۴۰	جریان‌های فکری تحول‌خواه.....
۴۱	آلمان و اروپای زمان هگل.....
۴۵	تصویری از زندگی هگل.....
۴۵	اشتوتگارت (۱۷۷۰-۱۷۸۸).....

فهرست تصاویر ۱۵

۴۱۲	۲۲-۲. تاریخ جهان
۴۸۲	۲۳-۲. دین
۵۳۷	۲۴-۲. هنر

روزگار هگل

نسبت هگل با زمانه‌اش

هر گونه کوشش برای تقریر و معرفی اندیشه و نظام فلسفی هگل باید بر اساس جانمایه فلسفه وی، یعنی «نگاه تاریخی» صورت گیرد. هیچ فیلسوفی را نمی‌توان بدون زمانه‌ای که در آن پدید آمده و رشد کرده است، فهمید.

هگل در فاصله زمانی ۱۷۷۰ تا ۱۸۳۱ میلادی زندگی می‌کرده است. یادآوری حوادث بزرگی که در این فاصله رخ داده، نشان‌دهنده زمانه پر ماجرای است که ذهن ژرف‌کاو هگل را به خود مشغول داشته است. در اروپای این زمانه حوادثی متفاوت با آنچه قبلاً رخ داده بود در حال وقوع است. هگل در حالی اولین آموزش‌های دوران نوجوانی را آغاز می‌کند که سراسر اروپا، به‌ویژه فرانسه، انگلستان و کمتر از آن‌ها آلمان منتظر تحولاتی بزرگ‌اند. امواج دگرگونی همه تصورات، ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و همه ارزش‌ها را تغییر داده یا در معرض شک و تردید قرار داده است. امری که همه بر آن اتفاق دارند، تزلزل بنیان‌ها و ناگزیری ورود به دنیایی متفاوت است.

هگل اندیشه خود را به‌تمام به سرنوشت زمانه‌اش گره زده بود. همیشه گوش به‌زنگ رویدادهای جدید بود. با همین دید و روش بود که می‌گفت: «خواندن روزنامه‌ها، نوعی نماز صبح واقع‌گرایانه است» (دونت، ۱۳۸۱، ص ۱۰). خود هگل و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد، به‌طور مستقیم درگیر چنین دگرگونی‌هایی نبود. درگیری وی و بسیاری از مردم جامعه‌اش با این دگرگونی‌ها، با واسطه و در حد تمنا و خواست تغییر بود. هگل از دوران

نوجوانی و در آستانه ورود به مرحله رشد و استقلال فکری ناظر و تماشاگری کنجکاو و اندیشنده بود. چنین شرایطی بهترین زمینه برای اندیشه‌های فیلسوفانه است. ژرف‌کاوی‌های بیش از چهل سال هگل درباب زمانه‌اش، با علاقمندی و جانبداری نسبت به چیزی در حال وقوع بود؛ البته این علاقمندی در حدی نبود که مانند یک فعال سیاسی، شیفته عمل و روش خویش شود. به همین جهت، هگل همواره در اندیشه‌ورزی‌های خویش چون تحلیل‌گری نقاد، همه سطوح و جوانب ماجراها را می‌کاوید. هگل در درون ماجراهای عصر خویش غرق نبود. از سویی می‌کوشید تمامی پهنای تاریخ را درنوردد، و از سوی دیگر میراث و سهم هیچ متفکر یا اندیشه و هنر و دینی را در پیدایش آنچه اکنون پیش روی بود، فرو نگذارد. شاید رمز ماندگاری و مرجعیت هگل برای اندیشه‌ورزی درباب تاریخ مدرنیته نیز همین باشد.

زمانه‌ای در حال تحوّل

از سال ۱۷۷۰ تا ۱۸۳۱ حوادث بزرگی رخ داده که حتماً در شکل‌دهی ذهن هگل نقش داشته است. از لابلای آثار و نامه‌های وی می‌توان توجه به این حوادث را دید. برخی حوادث زمانه، در لایه‌های مختلف زندگی، شرایط متحوّل این دوره را نشان می‌دهد. از سویی علم و صنعت در حال پیشرفت است و از سوی دیگر ساختارهای اجتماعی و سیاسی دگرگون می‌شود. اما این دگرگونی‌ها ریشه در تحولات دیگری در ساحت اندیشه و هنر و اعتقادات دارد. در اینجا برخی از تغییر و تحولات بزرگ، و همزمان با آن‌ها نگارش آثار یا ایراد درسگفتارهای هگل را برمی‌شمیریم:

- ۱۷۷۰؛ کشف عناصر سازنده هوا به وسیله لاولوزیه، انتشار کتاب «نظام طبیعت» هولباخ.
- ۱۷۷۵؛ استفاده از بخار در صنعت به وسیله وات.
- ۱۷۷۶؛ اعلام استقلال آمریکا، انتشار کتاب «بررسی‌هایی درباب ماهیت و علل ثروت ملل» آدام اسمیت
- ۱۷۷۸؛ مرگ روسو.
- ۱۷۸۱؛ انتشار کتاب «نقد عقل محض» اثر ایمانوئل کانت.
- ۱۷۸۳؛ تجزیه آب به وسیله لاولوزیه، تبدیل چدن به آهن.